

بازگای برخی آثار و کارکردهای فرهنگی و اجتماعی عبادات مطالعه موردی نماز

محمودرضا فرخیان^۱، غلامرضا صابر جهرمی^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد واحد جهرم ایران

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه عدالت تهران ایران

چکیده

آیین مقدس اسلام برای پرورش و رشد پیروان خود عباداتی را قرار داده است که بعضی از آنها واجب و برخی دیگر مستحب است، نماز یکی از مهمترین عبادات واجب است که به نوبه خود نقش بسزایی در تکامل معنوی انسانها ایفا میکند و موجبات نزدیکی او به خداوند متعال می گردد، از این رو در این بررسی کارکردهای اجتماعی فرهنگی نماز بر اساس کیفیت انجام و مراحل و مراتب صحت این عمل عبادی پرداخته شده است تا شناخت هرچه بیشتر آموزه های دینی در اسلام و حصول تکامل معنوی جامعه موثر واقع گردد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که نماز دارای چه کارکردهای فرهنگی و اجتماعی است و برای ارتقای این کارکردها چه راهکارهای قابل ترسیم است؟ نماز قطع نظر از محتوای خودش با توجه به شرایط و احکام اجرایی آن به تربیت و سازندگی فرد و اجتماع کمک فراوان می نماید. بر اساس این پژوهش اموری همچون کاهش بزهکاری، فرهنگ ایثار و رسیدگی به محرومین، خوش رفتاری، فرهنگ نظم، عدالت خواهی، روحیه تساوی اجتماعی و رعایت حقوق دیگران و... به عنوان نمونه هایی از کارکردهای فرهنگی و اجتماعی نماز هستند که انجام این فریضه عبادی عاملی بسیار مهم در جهت زمینه سازی و رشد و تقویت آن ها می باشد.

واژه های کلیدی: عبادات، نماز، کارکرد، فرهنگ

مقدمه

تمدن اسلامی، مرهون فرهنگ، آداب و اخلاق، و احکام و معارف برگرفته از متن و بطن دین اسلام است. دین اسلام مشتمل بر مجموعه آموزه های منسجمی است که ناظر بر عرصه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و .. است. از این رو هر کنشی که در ابعاد نظری یا عملی انجام شود، باید حقایق و اصالت مبانی و اصول دین در آن متبلور شود. فرهنگ از جمله پدیده هایی است که به شدت تحت تاثیر مذاهب و آیین ها و مناسک آنها قرار می گیرد رخ نمودن مناسک و عبادات مذهبی در بخش های مختلف جوامع دینی موجب پدید آمدن رفتارهای فرهنگی خاصی شد. به عنوان نمونه افرادی که در مکانهای مذهبی برای ادای فرایض و مناسک عبادی حضور می یابند نوعی ارتباط با یکدیگر برقرار می کنند که این ارتباط می تواند تبادلات فرهنگی را در پی داشته باشد و چستی انسان به عوامل مختلفی بستگی دارد. بن مایه اصلی و مستحکم هویت انسانی، باورها و اعتقادات اوست. هویتی که در بُعد اجتماعی، نظم و امنیت جامعه را تدویم می بخشد، ساختارها و الگوهای دینی به شکلی مؤثر در شکل گیری هویت اجتماعی مشارکت دارند. دغدغه ها و دلبستگی های دینی بر زندگی روزانه انسانها سایه افکننده و باورهای دینی خط مقدم دفاع در برابر بحرانها را تشکیل می دهند. به این ترتیب باید دانست که دین هویت و هویت بخش است. همانگونه که خوراک برای حفظ زندگی جسمانی اهمیت دارد؛ مناسک و اعمال مذهبی (طعام معنوی) برای کارکرد درست زندگی روحی و اخلاقی، ضرورت دارد. (نک: همیلتون، ۱۳۹۰، ۱۷۸) دین از آنجا که برنامه زندگی است باید دارای کارکردها و آثاری در زندگی فرد و جامعه باشد، در غیر اینصورت انگیزه ای برای انتخاب و التزام به آن دیده نمی شود. نماز بعنوان خلاصه مکتب دین اسلام، راه مسلمانی و نشان دهنده ی مسئولیتها و تکلیفهاست. پیامبر اسلام (ص) فرمودند: نماز را بر همه ی کارها مقدم بدارید، زیرا سرفصل همه طاعتها و عبادتها نماز است. (دیلمی، ۱۳۷۷: ۳۸) هدف از بیان کارکردهای عبادات، شناخت عمیق برنامه دینی برای زندگی، زمینه سازی برای التزام بیشتر نسبت به فرهنگ دینی و ارتقاء آگاهی نسبت به عوامل ترقی در زندگی، تکامل و پیشرفت روحی انسان و همچنین تاکید انگیزه جهت حرکت (به سمت بی نهایت) است.

۱- مفاهیم و کلیات

۱-۱ مفهوم شناسی لغوی و اصطلاحی

برای آشنایی بهتر با فضای بحث به مفهوم شناسی لغوی و اصطلاحی، عبادت، نماز و فرهنگ و کارکرد پرداخته شده و برای ورود به مبحث اصلی بخاطر وجوب تکلیف در عبادات به بیان شرایط واجب شدن تکالیف عبادی بر بندگان تبیین خواهد شد.

۱-۱-۱ عبادت:

در کتاب التحقیق پس از آنکه از قول لغویین می گوید عبادت همان انقیاد و اطاعت و خضوع است، و کلمه عبد در برابر کلمه حر است، می گوید: معنای ریشه ای در ماده (عبد) همان نهایت تذلل و خاکساری در برابر مولی است همراه با اطاعتی که از او می برد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۱۳) پس از بررسی لغت می توان عبادت را این چنین تعریف کرد: حس اینکه خود تصمیم گیرنده نیستیم بلکه تصمیم گیرنده و کارگردان اصلی زندگی، موجود دیگری است (چون معنای عبد بودن، اختیار خود را به مولی سپردن است) که احترام او بر من لازم است (احترام رتبه بالاتر بر رتبه پایین عقلا و عرفا لازم است) و اینکه پیوسته خود را در برابر او خوار و نرم و پذیرا بینیم. (لازمه عبودیت تذلل و خاکساری است) هر کاری که برای رضای خدا و در همان راستا انجام شود عبادت و موجب قرب به اوست. مراد از عبادت در اصطلاح، معنای وسیع عبادت است تا شامل امور روزمره متعارف نیز باشد چرا که هر کاری که برای رضای خدا و در همان راستا انجام شود عبادت و موجب قرب به اوست. [مَنْ أَخْلَصَ الْعَمَلَ لِمَنْ يُحْرَمُ الْمَأْمُولَ] (مطلق عمل یعنی حتی امور روزمره) (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ش. ص ۴۴۳).

۲-۱-انماز

نماز در لغت فارسی بمعنی تعظیم، نیایش، سرفروود آوردن، سجده کردن (تویسرکانی، ۱۳۶۲، ص ۴۴۳) و ... آمده است. که بتدریج بمعنی عبادت و پرستش خداوند متعال یا همان (صلاه) عبادت ویژه مسلمین اطلاق شده است. صلاه در عربی از ریشه (صلو) بمعنای ثنای جمیل و عبادت مخصوصه و ابراز محبت و اظهار تحیت و ... آمده است. و بعضی ها آن را از ماده (صلی) دانسته اند به معنای نزدیک کردن و عرضه نمودن بر آتش. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۳۱۹). واژه «صلاه» در لغت به معنای دعاست از آنجا که نماز شامل دعا نیز می باشد این واژه از معنی لغوی خود به اعمالی که نماز خوانده می شود، نامگذاری شد. بنابراین انسان نماز گزار روزانه ۳ یا ۵ نوبت به درگاه خالق خود دعا می کند. به این معنا که خدا را به یاری خود می طلبد و از او انتظار امید به زندگی شایسته را دارد. در قرآن کریم برای نماز، از خواندن و قرائت کردن استفاده نشده بلکه از اقامه ای آن تعبیر شده است، یعنی نوعی مناسک که انجام آن با اعمالی غیر زبانی هم همراه است، و اگر در برخی لغت نامه ها صلاه را «دعا» و «نیایش» معنی کرده اند بیشتر وجه گفتاری آن منظور بوده است که همراه با نیت و تمرکز ذهن و حضور قلب می باشد.

۳-۱-افرننگ

فرهنگ واژه ای فارسی و مرگب از دو جزو «فر» و «هنگ» است. (عمید، ۱۳۶۷: ۹۵۳). اصطلاح فرهنگ دارای معانی و مفاهیم متنوع است و در سیر تاریخی خود، معانی مختلفی را به خود گرفته است از جمله: ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک ملت، کتاب لغت، نیکویی، پرورش بزرگی، فضیلت، شکوه مندی، هنر، حکمت، شاخ درختی که زیر زمین خوابانند و بر آن خاک ریزند، و نیز تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، مکتب و ایدئولوژی. (صاحبی، ۱۳۸۴: ص: ۶۰) به دیگر سخن، فرهنگ، از جمله کلی ترین و فراگیرترین مفهوم ها در علوم اجتماعی بوده که تعریف های متعددی از آن ارائه شده است. در اصطلاح علوم اجتماعی گفته شده است: فرهنگ یعنی علم و ادب، آداب و سنن، امور متداوله در میان هر قوم و ملت - اعم از علوم، رسوم، آداب و سنن - که تک تک مردم

آن قوم به دریافت و عمل به آنها پایبند باشند. (حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۸، ذیل واژه فرهنگ). فرهنگ در تعریفی دیگر عبارت است از: مجموعه علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و عقاید، اخلاقیات، مقررات و قوانین، آداب و رسوم (سعیدیان، ۱۳۸۲: ۴، ذیل واژه فرهنگ). بدین سان می‌توان فرهنگ را مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشخص معنوی، مادی، فکری و احساسی جامعه یا گروه اجتماعی تلقی کرد که در بردارنده هنر، ادبیات، شیوه‌های زندگی، روش‌های زندگی باهم، نظام‌های ارزشی، سنتها و باورهاست. (فراهانی، ۱۳۸۶: ۸۰). به دیگر سخن فرهنگ مجموعه‌ای از دانستنی‌ها، باورها و اعتقادات، انگیزه‌ها، اخلاقیات، ارزشها، عادات، آداب و رسوم است که در جامعه نهادینه شده و دارای مرز مشخص و قابل انتقال است. و مراد از کلمه کارکرد، آثار مورد انتظار از هر شیئی است.

۲- شرایط تکلیف

از میان موجودات، انسان ویژگی تکلیف را داراست و این از امتیازات و افتخارات اوست که از سوی خدای هستی، فرمان می‌یابد و عهده دار انجام کارها و وظایفی می‌شود که خواسته پروردگار جهان است. آنچه که شرط تکلیف انسان است به صورت فشرده از این قرار است:

۱-۲ بلوغ

بلوغ سنی آن است که پسران، پانزده سال را تمام کرده، به سن ۱۶ سالگی وارد شوند و دختران ۹ سال را به پایان رسانده، ده ساله شوند. با این بلوغ تکلیفی، انجام همه واجبات دینی و پرهیز از محرّمات، بر انسان لازم می‌شود و در صورت تخلف، گناه کرده و مورد مؤاخذه الهی قرار می‌گیرد. البته گرچه بلوغ، شرط تکلیف است، ولی پیش از رسیدن به سن تکلیف، هم نوجوانان وظیفه دارند با عادت دادن خود به انجام وظایف و دوری از گناهان، آماده ورود به مرحله تکلیف شوند، و هم اولیای آنان موظف اند به نحوی آنان را تربیت کنند و به نماز و عبادت و پرهیز از معاصی عادت دهند که هنگام تکلیف، مشکلی از نظر شناخت وظیفه و آگاهی به مسائل و مبانی دینی و اجرای دستورات الهی نداشته باشند.

۲-۲ قدرت

تکلیف، تابع توان است. خدای دادگر، از هیچ کس عملی فوق طاقت او نخواسته است و اگر کسی نسبت به انجام کاری ناتوان باشد، تکلیفی هم ندارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: ((لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا)) (بقره، آیه ۲۸۶). خداوند هیچ کس را جز در حدّ توان او تکلیف نمی‌کند.

۳-۲ اختیار

شرط دیگر تکلیف، اختیار است. اگر فشار و اجبار، مانع انجام وظیفه شد، در شرایط اضطرار و ناچاری، انسان مکلف نیست و ترک تکلیف هم کیفر ندارد، مثل آنکه حکومتی طاغوتی مانع رفتن انسان به حج شود، یا ظالمی انسان را به زور، وادار به خوردن روزه کند.

۴-۲ عقل

عقل، وجه برتری انسان بر حیوان و شرط تکلیف و پشتوانه معرفت و عمل اوست. کیفر و پاداش انسان نیز بستگی به آن دارد. کسی که دیوانه و سفیه باشد، از محدوده تکالیف بیرون است. بنا به اهمیت این گوهر پربها در وجود انسان و زندگی او، خداوند هر چه را که به عقل و کارآیی آن لطمه بزند حرام ساخته، مانند شراب، و به آنچه موجب کمال و شکوفایی آن شود، دستور داده است، همچون دانش آموختن، مشورت کردن، مسافرت و کسب تجربه و ...

۳- کیفیت اجرای عبادات

آنچه به عنوان تکلیف و عبادت انجام می شود، به لحاظ نیت و محتوا و کیفیت انجام و خصوصیات فردی هر کس، مراحل و مراتبی می یابد. گاهی عمل عبادی، تنها مرتبه صحت و درستی را از نظر رعایت شرایط دارد، گاهی به مرتبه قبول می رسد، و گاهی هم صفت کمال می یابد. برای عبادات از جمله نماز قطع نظر از محتوای آنها و با توجه به شرایط و احکام اجرایی آنها کارکردهای اجتماعی و فرهنگی هست که در صورت صحت کیفیت اجرای آنها عاملی بسیار مهم در جهت زمینه سازی و رشد و تقویت این کارکردها می باشد. که در ذیل کارکردهای نماز با توجه به کیفیت اجرای آن تبیین و تحلیل می شود.

۱-۳ شرایط صحت عبادت

هدف درست و شکل صحیح عبادت، دو عامل مهم در صحت آن است. یعنی هم مقصود از عبادت، باید رضای خدا و قصد قربت و انجام فرمان الهی باشد، نه جلب نظر مردم و ریا و خودنمایی، و هم صورت ظاهری آن، طبق دستور باشد، حتی در جزئیات آن. امام صادق علیه السلام فرمود: ((وَالْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ تُحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ)) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۲) عمل خالص عملی است که در انجامش، جز از خدا، از احدی انتظار سپاس و ستایش نداشته باشی. عامل دیگر صحت عبادت به شکل آن مربوط است، یعنی عمل، طبق آنچه گفته اند و مطابق دستور شرع باشد، نه بر اساس ذوق و سلیقه شخصی یا مد روز یا پسند مردم. اینکه مثلاً نماز را چگونه باید خواند، کجا آهسته و کجا بلند، کجا نشسته و کجا ایستاده، کجا چهار رکعت و کجا دو رکعت، و ... همه طبق دستور باشد، گرچه همه عبادت است.

۲-۳ شرایط قبولی عبادت

مقصود، شرایطی است که رعایت آن ها، علاوه بر درستی عمل، موجب قرب به خدا و جلب رضای او می شود. ممکن است نمازی صحیح باشد ولی سبب رشد و تزکیه روح نشود، همچون دارویی که شفابخش نباشد، یا جنسی در بازار بی مشتری باشد. عبادت هم، گاهی تنها در حد نجات بخشی از کیفر است، ولی گاهی انسان را محبوب خدا و عمل را مقبول در گاهش می سازد.

در آیات و روایات، نکات بسیاری پیرامون قبولی عبادت و عمل مطرح است که هر کدام را میتوان از جمله کارکردهای اجتماعی و فرهنگی عبادات دانست. که به عنوان نمونه، چند مورد ذکر می شود.

قرآن کریم می گوید: اعمال شایسته و صالح، از کسی که ((مؤمن)) باشد، موجب حیات طیبه می شود. ((مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أٰتٰنٰی وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً)) (النحل: ۹۷) و در آیه دیگری می فرماید: ((وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْاِيْمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهٗ)) (المائدة: ۵) کسی که کفر ورزد و ایمان را نپذیرد، اعمالش تباہ می شود. آنکه خدا را باور ندارد، چگونه انتظار دارد پرستش هایش مورد پذیرش آفریدگار قرار گیرد؟

۲-۲-۳ ولایت پذیری

آنچه عمل را در مسیر صحیح و خدایی قرار می دهد، پیروی از رهبری آسمانی و شایسته است. در سایه چنین رهبری و ولایتی، خط صحیح عمل و عبادت، کارساز می شود و در غیر آن، یا بی خاصیت و بی اثر می شود، یا عبادت هم در راستای اهداف دشمنان راه خدا قرار می گیرد. عبادت در سایه رهبری صحیح، مفهوم راستین خود را می یابد و خداوند آن را می پسندد و می پذیرد. در حدیث از امام باقر علیه السلام آمده است: ((مَنْ دَانَ اللّٰهَ بِعِبَادَةٍ يَجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا اِمَامًا لَهُ مِنَ اللّٰهِ فَسَعِيَّهٖ غَيْرٌ مَّقْبُولٌ)) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱ ص ۱۸۳) کسی که ایمان به خدا دارد و عبادت های جانفرسا هم انجام می دهد، ولی امام شایسته ای از طرف خدا ندارد، تلاشش بی فایده و نپذیرفته است. در حدیثی دیگر می خوانیم: ((مَنْ لَمْ يَتَوَكَّلْنَا لَمْ يَرْفَعْ اللّٰهُ لَهُ عَمَلًا)) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱ ص ۴۳۰) هر که ولایت ما را نپذیرد و به رهبری ما گردن ننهد، خدا عملی را از او بالا نمی برد.

۳-۲-۳ رسیدگی به محرومین

نیازمندان و فقیران، بندگان خدایند. آن عبادت و بندگی که همراه با رسیدگی به وضع بندگان ناتوان و محروم خدا نباشد، بی ارزش است. در آیات و روایات، موضوع ((نماز)) و ((زکات)) معمولاً در کنار هم آمده است که یکی ارتباط با خداست و دیگری ارتباط با خلق خدا. از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: ((مَنْ صَلَّى وَ لَمْ يُزَكِّكُمْ لَمْ تُقْبَلْ صَلٰوةُهٗ)) (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱ ص ۷۴) نماز افرادی که زکات ندهند، پذیرفته نیست. آری نپرداختن حقوق واجب محرومین، اموال انسان را آمیخته به حرام می کند و زندگی از مسیر الهی بیرون می رود.

۴-۲-۳ خوش رفتاری

اساس جامعه اسلامی بر اخوت و صفا و برادری میان مسلمانان است. هر چه که این روابط را به هم بزند و وحدت را بشکند و حرمت افراد را زیر پا بگذارد، چنان ناپسند است که قبول عبادت را هم با مشکل مواجه می سازد. غیبت و بهتان باشد، یا تفرقه انگیزی و نمّامی، سوء خلق و بدرفتاری باشد، یا مردم آزاری و قطع رحم بر عکس، صله رحم، حسن خلق، مودت با مردم و حسن نیت با دیگران، موجب رضای خدا و قبول اعمال است. در این زمینه ها حدیث بسیار است

به این روایت توجه کنید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مسلمانی را غیبت کند، تا چهل روز، نماز و روزه اش قبول نمی شود، مگر اینکه غیبت شده او را ببخشد. (شعیری، بی تا، ص ۱۴۶)

۵-۲-۳ رعایت حقوق دیگران:

یکی دیگر از آثار اجتماعی نماز این است که انسان را به رعایت حقوق دیگران وادار می کند. مکتب اسلام برای ایجاد چنین فرهنگی (حساسیت در برابر حقوق اجتماعی دیگران) در بین مسلمانان به نماز گزار هشدار می دهد که مبادا ذره ای از چیزهایی که به دیگران تعلق دارد، بدون رضایت صاحبانش، در مرحله ای از مراحل مختلف انجام نماز به کار گرفته شود. استاد شهید مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) در این زمینه می فرماید: اسلام می گوید: جایی که در آن نماز می خوانی، آبی که با آن وضو می گیری، حتی آن محلی که در آن آب وضوی تو ریخته می شود، لباسی که با آن نماز می خوانی، تمام آن چه که با این عمل تو ارتباط دارد، باید مباح باشد؛ یعنی نباید حرام باشد. اگر یک نخ غصبی هم در لباس تو باشد، این عبادت پذیرفته نیست. این نیز پیاده کردن یک برنامه تربیتی مربوط به حقوق اجتماعی در پیکره عبادت است. لباس، مکان و آبی که با آن وضو می گیرید، نباید غصبی باشد و مباح بودن آنها نشانه ی رعایت حقوق دیگران است، به عبارت دیگر، در صورت ظلم و تجاوز به حقوق دیگران، نماز صحیح نخواهد بود.

۶-۲-۳ نظم و تداوم

عبادت اگر برنامه های دائمی و منظم داشته باشد، بهتر است. احکام دین مبین اسلام و اجرای آنها، نوعی نظم و انضباط دقیق را بر زندگی فرد حاکم می کند. نماز روح نظم و انضباط را در فرد ایجاد می کند و پایداری در آن، این روح را در او درونی و نهادینه می کند. هر مسلمان باید در روز، پنج نوبت نماز در زمان معین اقامه نماید، اقامه نماز با رعایت ترتیب و توالی منظمی، عملی می شود. هر مسلمان باید اوقات نماز را بشناسد، نماز خود را در وقت معین بخواند و این اعمال در هر روز تکرار می شود. امیر مؤمنان حضرت علی (ع) می فرماید: انسان با ایمان باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند زمانی برای نیایش و عبادت، زمانی برای تأمین هزینه های زندگی و زمانی را برای واداشتن نفس به لذتهایی که حلال و مایه زیبایی است. (دیلمی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۵) این موضوعات نه تنها ارزش وقت و زمان را به مؤمنان یادآوری می کند، بلکه تمرین وقت شناسی و نظم است. اقامه نماز به اشخاص درس انضباط می دهد. شخصی که خود را مقید می کند در روز سه یا پنج نوبت در زمان مشخص و محدود به اقامه نماز بپردازد و اعتقاد داشته باشد هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد، فضیلتش بیشتر است، شخص منظمی خواهد شد که نظم و انضباط در او به عادت تبدیل شده است که او را وادار می دارد تا در سایر کارها و امور نیز منظم باشد. به عبارتی دیگر نماز روح انضباط را در انسان تقویت می کند، چرا که دقیقاً باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخیر و تقدیم آن هر دو موجب بطلان نماز است، همچنین آداب و احکام دیگر در مورد نیت و قیام و قعود و رکوع و سجود و مانند آن که رعایت آنها، پذیرش انضباط را در برنامه های زندگی کاملاً آسان می سازد.

۴-نشانه قبولی عبادت

با این همه شرایطی که برای قبولی عبادت و نماز است، باید مراقب بود نماز بی فایده و پرستش بی خاصیت نداشته باشیم. صرف انجام تکلیف، کافی نیست، باید چنان انجام وظیفه کرد، که صاحب فرمان که خداوند است، بپذیرد. علی علیه السلام می فرماید: ((كُونُوا عَلَى قَبُولِ الْعَمَلِ أَشَدَّ عَنَانًا مِنْكُمْ عَلَى الْعَمَلِ)) (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، الخصال، ج ۱؛ ص ۱۴) بیشترین توجه شما، به قبولی عمل باشد، نه اصل عمل! به عبارتی دیگر، از کجا می توان فهمید که طاعتمان را خدا پذیرفته است؟

۱-۴ کارکرد بازدارندگی و کاهش بزهکاری

کاهش بسیاری از گناهان و معضلات اجتماعی از جمله آثار قبولی نماز است به عبارتی دیگر نزدیک شدن به خدا و دوری از گناه و معصیت، آن قدر با نماز در آمیخته است که این موضوع نشانه ای برای قبولی آن به شمار می رود امام صادق علیه السلام نشانه قبولی نماز را چنین بیان می کند: ((مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبَلَتْ صَلَوَتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَوَتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؟ فَيَقْدِرُ مَا مَنَعَتْهُ قُبِلَتْ مِنْهُ)) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶ ص ۲۰۵) هر که می خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، ببیند آیا نمازش، او را از گناه و زشتی باز داشته است؟ به هر مقدار که نمازش، مانع گناه و منکر شود، نمازش قبول شده است. نماز با توجه نمودن انسان به سوی خدا و صفات نیکوی الهی و روز قیامت، آدمی را از بدی ها باز می دارد و فضائل اخلاقی و انسانی را در وی تقویت و به اخلاق الهی آراسته می کند، فلسفه ی بزرگ نماز باز داشتن انسان از زشتی ها و منکرات است و از آن جا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده می اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشا و منکر است و در قرآن کریم یکی از آثار نماز را دفع مفسدات اجتماعی و ناهنجاریها دانسته است. « اَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ » (آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار که نماز (انسان را) از زشتی ها و منکرات بازمی دارد. ذکر خدا از آن هم برتر و بالاتر است و خداوند می داند شما چه کارهایی انجام می دهید.) (عنکبوت: ۴۵) طبیعت نماز از آنجا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می اندازد دارای اثر بازدارندگی است. اما هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و روح عبادت برخوردار است، نهی از فحشاء و منکر می کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۶ ص ۲۸۴). آمار جرایم جامعه ای که افراد آن اهل نمازند با جامعه ی بی نماز یکسان نیست، حتی آمار بزهکاری در ماههایی که مردم بیشتر به عبادت به خصوص به نماز گرایش دارند مثل ماه مبارک رمضان و رجب و ... کمتر از ماههای دیگر است. نکته ی دیگر اینکه نهی از فحشا و منکر، سلسله مراتب و درجاتی دارد و هر نمازی به نسبت رعایت شرایطش دارای بعضی از این شرایط است. ممکن نیست کسی نماز بخواند و هیچ گونه اثری به او نبخشد؛ هر چند نمازش صوری باشد و هر چند آلوده به گناه باشد. البته این گونه نماز، تأثیرش کم است. در روایتی می خوانیم که جوانی از انصار، نماز را به پیامبر اقتدا می کرد، اما آلوده به گناهان زشتی بود. این ماجرا را به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشتند، حضرت فرمود: سرانجام نمازش روزی او را از این اعمال باز می دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۱۹۸)

۵-ادب و آداب نماز

حضور شاكرانه و عابدهانه در برابر پروردگار، دلی پاک می خواهد و تبتی خالص، زندگی و رفتاری خداپسندانه می طلبد و معرفتی عمیق و بصیرتی مکتبی. زبانی دور از گناه می خواهد و چهره ای نیالوده به نافرمانی معبود. توجه و حضور قلب در نماز، ادب لازم در این عبادت والاست. رعایت آداب ظاهری و باطنی و شرایط صحّت و قبول و کمال، عمل را مطلوب خدا می سازد و نماز را شایسته صعود به درگاه خدا می سازد. آداب نماز، که در قالب احکام نماز باید مراعات شود، در هر سه بخش نماز از جمله: مقدمات نماز، (یعنی اموری که باید قبل از شروع به نماز به آن ها پرداخت)، مقارنات نماز، (یعنی اعمال و آداب متن نماز..) و تعقیبات نماز، یعنی امور پس از نماز. در این بیان به ذکر برخی کارکردهای مقدمات نماز پرداخته میشود.

۱-۵ طهارت (نظافت)

یکی از آثار و کارکردهای نماز، نظافت و آراستگی است. قبل از آغاز نماز، باید مقدمات آن صحیح باشد، و گرنه نماز، باطل است. از جمله این مقدمات، ضرورت پاک و مطهر بودن انسان نمازگزار است، مثل غسل و شست و شوی بدن (در مواقع لزوم) وضو و پوشیدن و بر تن کردن لباس پاک و غیر غصبی. لذا علاوه بر وجوب برخی مقدمات نماز از مستحبات آن نیز پوشیدن لباس پاکیزه و تمیز، عطرزدن و انگشتر عقیق به دست کردن می باشد. لازم به تذکر است که گاهی طهارت لازم برای نماز، با غسل میسر است. کسی که جنب باشد یا به دلیل دیگری غسل بر او واجب شود باید غسل کند. در مواردی هم وظیفه نمازگزار، تیمّم بر خاک و زمین است، آنجا که آب نباشد، یا ضرر داشته باشد، یا وقت برای غسل و وضو نداشته باشد، یا آب برای آشامیدن و حفظ جان لازم باشد و... دربار هر یک از اشکال وضو، غسل و تیمّم که مصداق های ((طهارت)) اند، مسائل متعددی در رساله های مراجع تقلید آمده است که پرداختن به آن ها ما را از هدف این مقاله، دور می کند.

۲-۵ لباس نمازگزار

در نماز، پوشش بدن لازم است. البتّه حدّ واجب برای مرد پوشاندن عورت است، ولی بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند و زن، باید تمام بدن (به جز صورت و دست و پا تا مچ) را بپوشاند. لباس، باید پاک و مباح باشد. در نماز، بهتر است جامه سفید پوشیده شود، انگشتر عقیق بدست باشد و از لباس های چرک و تنگ و سیاه و لباس افراد لایبالی که از نجاسات پرهیز نمی کنند استفاده نشود.

رعایت پوشش مناسب اسلامی لازمه ی نماز است، زیرا بدون داشتن پوشش لازم هم نماز قابل قبول نخواهد بود و هم غیر از آن موجب پدید آمدن بسیاری از انحرافات و مفاسد در جامعه می شود.

۶- نماز جماعت

از نکات اساسی مربوط به نماز، برپایی آن به صورت جماعت است. نماز جماعت پاداش بسیار، برکات فراوان و فواید فردی آثار اجتماعی بسیار دارد.

شکوه مسلمانان و موحدان را می‌رساند. ذوب شدن ((فرد)) در ((جمع)) در یک عبادت توحیدی است. مقدمه وحدت و عامل تقویت روح برادری است. نماز جماعت، زمینه شناخت افراد و مشکلات و نیازهای آنان است. نماز جماعت، بهترین و بیشترین و پاک‌ترین و کم‌خرج‌ترین اجتماعات دنیاست. خار چشم دشمنان اسلام است. عامل نظم، وحدت صفوف، وقت‌شناسی و مبارزه با فردگرایی و خودخواهی است. موجب شسته شدن کینه‌ها و کدورت‌ها و پیدایش روحیه اخوت دینی است. مستحب است انسان صبر کند تا نماز را به جماعت بخواند. (خمینی، ۱۳۶۵، مسئله ۱۴۰۲). در نماز جماعت، باید فردی عادل و متقی و شایسته، امام جماعت شود و دیگران به او اقتدا کنند. این شرط، هم ملاک بودن تقوا و عدالت را بیان می‌کند و هم تبعیت از پیشگامان در صلاح و پاکی را می‌آموزد. در این قسمت به بیان برخی کارکردهای نماز جماعت پرداخته می‌شود.

۱-۶ عدالت پیشنهاد

چون نماز، نشانه‌ای از یک تجمع دینی و اقتدا به یک ((پیشوا)) است، پس باید خوب‌ترین انسان‌ها و پاک‌ترین افراد، به امامت جماعت پردازند. امام جماعت باید کسی باشد که به دیانت و تعهدش ایمان داشته باشیم. افراد گنهکار و سفیه، نمی‌توانند پیشنهاد شوند. در حدیث آمده است: ((فَقَدِّمُوا أَفْضَلَكُمْ)) برترین‌های تان را پیشنهاد کنید. (صدوق، ۱۴۱۳ ج ۱، ص ۳۷۷). عدالت، یک حالت درونی است که انسان را از ارتکاب گناهان کبیره، یا تکرار و اصرار بر گناهان صغیره باز دارد. (قرائتی، ۱۳۸۶) از امام صادق علیه السلام پرسیدند: عادل کیست؟ فرمود: آن که چشمش را از نامحرم بپوشاند، زبانش را از گناه، و دستش را از ستم نگاه دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۴۸). و رسول خدا فرموده است: کسی که با مردم در معامله و داد و ستد، ستم نکند و در گفت و گوها دروغ نگوید و در وعده‌ها تخلف نکند، او با مروّت و عدالت است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۱). وقتی صفت عدالت و پاکی تعهد، از شرایط امام جماعت باشد، روشن است که جامعه و جمع اقتداکننده را نیز در این مسیر حرکت می‌دهد و ملاک‌های تقدّم در کارها و مسئولیت‌ها، همین‌ها می‌شود.

۲-۶ آشنایی مؤمنین با یکدیگر و پیوند دل‌ها

بی‌تردید نماز جماعت به دلیل ماهیتی که دارد خود به خود، باعث آشنایی نمازگزاران با یکدیگر می‌شود. از رهگذر همین آشنایی است که خیرات و برکات فراوانی نصیب مؤمنین می‌شود. رفع گرفتاری‌ها، رسیدگی به مشکلات یکدیگر، دوستی‌های مثبت، پیوندهای خانوادگی پایدار، ازدواج‌های معقول و ضابطه‌مند و بسیاری آثار دیگر از نتایج حضور در جماعت است. صفوف جماعت، سالم‌ترین، عاطفی‌ترین و کم‌خرج‌ترین اجتماع است و باید با مداومت بر آن، شکر آن را به‌جا آورد.

در این آشنایی است که قلب‌ها با یکدیگر پیوند می‌خورد و مهربانی‌ها افزوده می‌شود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: صف‌های نماز جماعت را هماهنگ و منظم کنید تا دل‌های شما متعادل شود و با هم در تماس باشید تا مهربانی‌ها افزوده شود. (متقی هندی، ج ۷، ص ۶۲۳): همانطور که گفته شد حضور مؤمنین در نماز جماعت باعث آشنایی آن‌ها با یکدیگر؛ در نتیجه دوستی آنان می‌شود. امیرالمؤمنین می‌فرماید: (أَعْجَزَ النَّاسُ مَنْ عَجَزَ عَنِ اِكْتِسَابِ الْإِحْوَانِ، وَأَعْجَزُ

مِنْهُ مَنْ ضَمَّعَ مَنْ ظَفَّرَ بِهِ مِنْهُمْ) { ناتوانترین مردم کسی است که از دوستیابی ناتوان باشد. ناتوانتر از او کسی است که دوستان یافته را از دست بدهد و قدرت حفظ آن‌ها را نداشته باشد. } (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق.؛ ص ۴۷۰) دوستی مؤمنین نیز سبب می‌شود تا با یکدیگر متحد و هم دل شده و در مشکلات یکدیگر را یاری کنند، که خود موجب حل مشکلات جامعه می‌گردد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: (مثل المؤمنین فی توادهم و تعاطفهم و تراحمهم مثل الجسد اذا اشتكى منه شیء تداعى له سائر الجسد بالسهر و الحمى؛ { مثل مومنان در پیوند و دوستی و محبت و رحمت به هم مثل یک پیکر زنده است که اگر چیزی از آن به درد آید، دیگر اجزای پیکر نیز با آن هم دردی می‌کنند. } (پاینده، ۱۳۸۲ ش. ص: ۷۱۵) همانطور که دوست خوب و با تقوا سبب اصلاح جامعه‌ی اسلامی می‌شود دوست بد باعث انحراف می‌شود. در قرآن آنهایی که به جهنم می‌روند از حسرت انگشت به دهان می‌گیرند که چرا با افراد ناباب رفیق شده‌اند. خداوند می‌فرماید: (یا وِیْلَتِی لَیْتَنِی لَمْ اتَّخَذْتُ لَأَنَا خَلِیْلًا * لَقَدْ أَضَلَّتْنِی عَنِ الذِّكْرِ) (فرقان/۲۸ و ۲۹).

۳-۶ تقویت روح تساوی اجتماعی

علامه محمد اقبال لاهوری نویسنده و شاعر و فیلسوف پاکستانی (۱۸۷۷ - ۱۹۳۸ م) در بیانی رسا می‌فرماید: انتخاب جهت واحدی در اسلام برای نماز، برای آن است که وحدت احساسی میان جماعت نمازگزاران حاصل شود، و شکل کلی نماز و عبادت چنان است که احساس مقام یا برتری نژادی را در میان عبادت کنندگان بر می‌اندازد، و روح تساوی اجتماعی را به جای آن می‌نشانند و تقویت می‌کنند. تصور کنید که اگر چنان شود که در زمان ما همه فرق مسلمین، روزانه برای نماز شانه به شانه در کنار یکدیگر در یک صف بایستند، چه انقلاب روحی عظیمی حاصل خواهد شد! از یگانگی من جهان شمولی که همه من‌ها را آفریده و نگاهداری می‌کند، وحدت اساسی نوع بشر نتیجه می‌شود. تقسیم نوع بشر به نژادها و ملت‌ها و قبیله‌ها، بنا به گفته قرآن، تنها برای شناختن و شناخته شدن است. صورت اجتماعی نماز در اسلام، گذشته از جنبه ادراکی و معرفتی آن، برای این است که وحدت اساسی نوع بشر، با ویران شدن سد و بندهایی که میان انسانی و انسان دیگر موجود است، به صورت حقیقتی از زندگی پدیدار شود و پایدار بماند. (اقبال لاهوری، ۱۳۴۶، ص ۱۰۹)

۴-۶ فرهنگ وحدت و همدلی میان اعضای جامعه

در نماز جماعت مؤمنین یکدیگر را می‌بینند، مصافحه می‌کنند و از احوال یکدیگر آگاه می‌شوند. این دیدارها خود به خود باعث ایجاد روحیه اخوت، دوستی و مودت میان مردم می‌شود. نتیجه‌ی اخوت و دوستی وحدت جامعه اسلامی است که یکی از مهم‌ترین ارکان نه تنها برای جامعه اسلامی، بلکه برای تمام جوامع بشری است. یکی دیگر از اموری که باعث وحدت مسلمانان می‌شود، ایستادن آن‌ها در صفوف نماز جماعت است. به خصوص اینکه پیامبر (ص) خود به نمازگزاران توصیه می‌کردند که شانه‌هایشان را به یکدیگر نزدیک کنند. ایشان می‌فرمودند: (اسْتَوْوُوا وَ لَا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُكُمْ)؛ { مساوی و منظم باشید، نامنظم و جدا از هم نباشید که قلبهای شما از یکدیگر جدا می‌شود. } (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ ق. ج ۲؛ ص ۲۶۶) در نتیجه یکی از فلسفه‌های منظم بودن صفوف در نماز جماعت جلوگیری از تفرقه و

پراکتدگی مؤمنین و در واقع یک دل شدن آن‌ها و به عبارتی از مهم ترین برکات نماز جماعت و وحدت مسلمانان است که از تفرقه و شکست امت‌ها و امت اسلامی جلوگیری می‌کند.

۷- راهکارهای ارتقای کارکردهای نماز

با تجمیع و استنباط از جایگاه نماز بعنوان ستون و خلاصه مکتب دین اسلام و راه مسلمانی و نشان‌دهنده‌ی مسئولیتها و تکلیفها در فرهنگ اسلامی، بررسی نقش و کارکردهای این فریضه‌ی عبادی در حیطه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ضروری است. در ادامه به بیان دو راهکار جهت ارتقای کارکردهای نماز پرداخته شده است

۷-۱ نهادینه سازی فرهنگ نماز

از منظر آموزه‌های دینی از جمله دلایل اصلی نادیده گرفتن ارزش‌ها عدم شناخت و آگاهی است؛ چنانکه در قرآن کریم به زیبایی علت سقوط انسان و افتادن وی در ورطه حیوانیت و حتی پایین تر از آن، جهل و غفلت او معرفی شده است: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف/۱۷۹) حضرت علی (ع) نیز از زبان انسان‌های ستمکار عامل اصلی ارتکاب رفتارهای انحرافی را جهل معرفی می‌کند، می‌فرماید: «ظلمت نفسی و تجرأت بجهلی». (طوسی، ۱۴۱۱: ۲، ۸۴۵) یکی از مؤثرترین شیوه‌ها در حل معضل نادانی و جهل، آگاهی بخشی است. به اعتقاد جامعه‌شناسان، این امر به دو صورت ممکن است: ۱- فرهنگ پذیری ۲- جامعه پذیری. یعنی دو شیوه‌ای که مهندسان اجتماعی جامعه بر آن تأکید دارند؛ چه انسان لزوماً در جامعه پرورش یافته و هیچ‌گاه از جامعه و زندگی جمعی فاصله نمی‌گیرد. جامعه‌پذیری، فرایندی است که به انسان راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد. به عبارت دیگر، جامعه‌پذیری فرایندی است که فرد را صرفاً با هنجارهای اجتماعی هماهنگ می‌سازد (مریجی، ۱۳۹۰) این جریان به دو صورت پیش می‌رود: گاهی گروه و هنجارها و الزامات گروهی عمداً به جامعه پذیر کردن فرد می‌پردازد. گاهی نیز زندگی گروهی خود به خود، فرد را جامعه‌پذیر می‌گرداند. (کوئن، ۱۳۷۲: ۱۲۶) اما فرهنگ‌پذیری، جریانی است که فرد را به صورت ژرف و از جهات فراوان با فرهنگ جامعه‌همانند می‌کند. برخلاف جامعه‌پذیری که صرفاً فرد را با هنجارهای اجتماعی هماهنگ می‌کند. البته اگر جریان جامعه‌پذیری عمیقاً صورت گیرد و تداوم داشته باشد، افراد جامعه از مشابهت‌های فراوان برخوردار خواهند شد و با یکدیگر از لحاظ ارزشی و هنجاری همانند می‌گردند. به طوری که اعضای جدید جامعه در این جریان، کم‌کم در زندگی مشترک جامعه خود سهم می‌شوند، راه و رسم آن را می‌آموزند، و زمینه فرهنگ‌پذیری در آنها فراهم می‌شود. (برن، ۱۳۸۰: ۱۷۱). اولین گام در جهت نهادینه‌سازی و گسترش فرهنگ نماز از راه معرفت بخشی و بصیرت‌افزایی نسبت به نقش نماز در آموزه‌های دینی است؛ امری که بدون آن، نماز فاقد اثربخشی ماندگار و دگرگون‌ساز خواهد شد. به منظور تحقق این امر، شایسته است که مردم با آثار، اهداف و فضایل عبادات از جمله نماز آشنا شوند. از سوی دیگر آشنایی با تاریخ و سیره زندگی معصومین و اهتمام آنها به مسائل عبادی آنها که خود مشتمل ترویج و تبلیغ و دعوت مردم به سوی این فرایض عبادی بوده است نیز تاثیر بسزایی در تعمیق معرفت در این عرصه دارد.

۲-۷ استفاده از ظرفیت رسانه

عرصه فرهنگ به خاطر حساسیت و ظرافت های خاص خود لزوم استفاده از امکانات متنوع با سازو کارهای گوناگون را گوشزد می کند. در تعامل فرهنگ ها نیز فرهنگی برتر است که با مدیریتی توانمند به ساماندهی همه ابزارها در راستای عینیت بخشی به اهداف خویش همت گمارد. از ابزارهای مهم برای گسترش فرهنگ اسلامی، رسانه است. کارشناسان رسانه را اینگونه تعریف می کنند: «رسانه وسیله ای است که فرستنده به کمک آن معنا و مفهوم مورد نظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می کند» (مریجی، ۱۳۸۴: ۱۹). مواردی چون وسعت جغرافیایی و جمعیتی تحت پوشش، انتقال و توزیع سریع پیام و هزینه اندک، رسانه ها را به ابزاری مؤثر در حوزه ارتباط جمعی تبدیل می کنند. امروزه قدرت رسانه ها به اندازه ای است که می توانند حتی با کارکرد متناقض - فرهنگ سازی و فرهنگ سوزی - از یک نقطه دنیا نقطه دیگری را مورد تأثیر قرار دهند. دلیل رویکرد قدرت های سلطه طلب به رسانه ها در همین راستا قابل توجیه است. بنابراین نباید از ظرفیتی که این ابزار در اختیار قرار می دهد چشم پوشید؛ ظرفیتی که در صورت به خدمت گرفتن آن در سه قالب دیداری، شنیداری و مکتوب می تواند تأثیرات غیر قابل انکاری را در عرصه های فرهنگ سازی مثبت، آگاهی رسانی معرفت افزا، در جای نهد. طراحی و ساخت برنامه های منظم و فاخر تلویزیونی به منظور آشنایی مخاطبین با کارکردهای عملی و اجتماعی نماز در زندگی فردی و اجتماعی، و آشنایی با احکام این فریضه ی عبادی نهادینه شدن فرهنگ نماز و سنت ها و آموزه های دینی و معنوی را در پی خواهد داشت.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته شد می توان اذعان نمود که نماز بعنوان بزرگترین فریضه دینی دربرگیرنده چکیده ای از قرآن و دین است پس مشتمل بر قوانین مورد نیاز نیز هست، لذا تمامی ارزشهای دینی را دربر گرفته و می تواند در همه عرصه های اجتماعی و فردی فرهنگ سازی نماید. به عبارت دیگر، اقامه نماز جماعت، فضای جامعه را آکنده از رأفت و شفقت می کند و در چنین فضایی مکان تحقق اهداف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... فراهم می گردد. لذا نقش نماز بعنوان رکن و محور برنامه های دینی آشکار می شود. نماز قطع نظر از محتوای خودش با توجه به شرایط و احکام اجرایی آن به تربیت و سازندگی فرد و اجتماع کمک فراوان می نماید. اموری همچون کاهش بزهکاری، فرهنگ ایثار و رسیدگی به محرومین، خوش رفتاری، فرهنگ نظم، عدالت خواهی، روحیه تساوی اجتماعی و رعایت حقوق دیگران و... به عنوان نمونه هایی از کارکردهای فرهنگی و اجتماعی نماز هستند که انجام این فریضه عبادی عاملی بسیار مهم در جهت زمینه سازی و رشد و تقویت آن ها می باشد.

مراجع

قرآن کریم

- ۱- اقبال لاهوری، محمد، (۱۳۴۶): احیای فکر دینی در اسلام/ ترجمه احمد آرام. تهران: کانون نشر و پژوهشهای اسلامی
- ۲- برن، آگ و نیم کف، (۱۳۸۰) زمینه جامعه شناسی، ترجمه ایرج آریان پور، تهران: گسترده، چاپ سوم
- ۳- پاینده، ابو القاسم، (۱۳۸۲ش) نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله) - تهران، چاپ: چهارم،
- ۴- تویسرکانی، محمد تقی (۱۳۶۲)، فرهنگ جعفری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران
- ۵- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲)، از ژرفای نماز، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران
- ۶- حسینی دشتی، مصطفی، (۱۳۸۵) معارف و معاریف، دایره‌المعارف جامع اسلامی، تهران: آرایه
- ۷- خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۵، توضیح المسائل / امام روح‌الله موسوی خمینی قم: روح
- ۸- دیلمی، حسینی (۱۳۷۷)، نکته‌های نورانی، ستاد اقامه نماز حوزه نمایندگی ولی فقیه در بسیج ادارات، تهران
- ۹- دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۶) طباطبایی، سید حسن، ارشاد القلوب / ترجمه طباطبایی، ۱ جلد، جامعه مدرسین - قم، چاپ: دوم
- ۱۰- سعیدیان، عبدالحسین، (۱۳۸۲)، دائرةالمعارف بزرگ نو، تهران: علم و زندگی، ج ۴
- ۱۱- شرفی، محمدرضا و محمد شریف طاهرپور (۱۳۸۷)، نقش نهاد آموزشی در تربیت شهروندی «مهندسی فرهنگی»، ۱۶-۱۵، (فروردین و اردیبهشت)، صص ۵۴-۵۳-۵۲..
- ۱۲- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح) - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق. نهج البلاغه (للصبحی صالح)؛
- ۱۳- شعیری، بی تا محمد بن محمد، جامع الاخبار (لشعیری) مطبعه حیدریه-نجف، چاپ اول
- ۱۴- شیخ صدوق، (۱۴۱۳ق) من لایحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ دوم ج ۱
- ۱۵- (۱۳۶۲)، الخصال، جامعه مدرسین - قم، چاپ: اول جلد ۱
- ۱۶- صاحبی، محمد جواد، (۱۳۸۴ش) مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران (مجموعه مقالات)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۷- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ق) مصباح المتهدد و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، چاپ اول

- ۱۸- عروسی الحویزی، (۱۴۱۵ق.)، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، اسماعیلیان-قم ج ۱
- ۱۹- عمید، حسن، (۱۳۶۷) فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر
- ۲۰- فراهانی، فاطمه (۱۳۸۶)، آشنایی با کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع بیان های فرهنگی یونسکو، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- ۲۱- قرائتی، محسن، ۱۳۸۶، راز نماز برای جوانان تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن
- ۲۲- کلینی، (۱۴۰۷ق) محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط-الاسلامیه) دارالکتب الاسلامیه-تهران: چاپ چهارم، ج ۲
- ۲۳- کوئن، بروس، (۱۳۷۲) مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس: غلامعباس توسلی، رضا فاضل زرنندی، تهران: سمت
- ۲۴- لیشی واسطی، ۱۳۷۶ ش. علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ۱ جلد، دار الحدیث - قم، چاپ: اول، ص ۴۴۳
- ۲۵- متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۱۳ق.) کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال / بیروت: موسسه الرساله،
- ۲۶- مجلسی، ۱۴۰۳، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (ط-بیروت، دار احیاء التراث العربی-بیروت، چاپ: دوم
- ۲۷- مریجی، شمس الله (۱۳۹۰)، « بررسی نقش خانواده در کاهش انحرافات اجتماعی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۴۹ - ۷۲
- ۲۸- مریجی، شمس الله، (۱۳۸۴) « رسانه های جمعی و نقش آنها در تحکیم و یا تضعیف ارزشها»، مجله معرفت، شماره ۹۱، صص ۳۵-۱۹.
- ۲۹- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸ و ۶، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران
- ۳۰- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ ه.ش.). تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه - تهران، چاپ: ۱۰
- ۳۱- موسوی، محمد (۱۳۸۷)، نماز و فرهنگ سازی، ماهنامه فرهنگ جمعه، ۷۱، ص ۵۸
- ۳۲- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق. ج ۲؛